

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۳ اگست ۲۰۱۹

ذبح "محقق" در پیش پای "خلیلی"!

پنجشنبه- ۳۱ اسد ۱۳۹۸ - کابل: امروز از طریق رسانه ها مطلع شدیم که سرانجام "محمد محقق" رئیس یک جناح "حزب وحدت" در پروسه انتخابات آتی ریاست جمهوری به تیم "عبدالله عبدالمود" پیوسته است، یادداشت امروز را به بحث در همین مورد اختصاص داده ام:

۱- این را قبلاً بار ها تذکار داده ام که شرکت در انتخابات، مستقیماً به معنای به رسمیت شناختن دولت دست نشانده که محصول تجاوز و اشغال افغانستان به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء است بوده، مشروعیت بخشیدن به تجاوز و اشغال کشور و در نتیجه انقیادطلبی و خیانت ملی می باشد. از این رو بحث در مورد افراد دخیل در آن پروسه، در واقعیت امر بحث در مورد دشمنان مردم و بررسی تضاد های درونی آنها می باشد.

۲- در حالی که "حنیف اتمر" بر مبنای یک تحلیل تا هنوز منتظر ختم دوران حاکمیت "غنی احمدزی" از جانب امریکا و رسیدن خودش به قدرت از طریق ایجاد حکومت موقت است، "محمد محقق" به مانند همیشه از عجله کار گرفته، از ترس این که نکند "سرش بدون کلاه" ماند، حتا قبل از این که "حنیف اتمر" ختم و انحلال تکت انتخاباتی اش را اعلام بدارد، بار تمام مسؤولیت انحلال آن تیم را به گردن گرفته با پیوستن رسمی اش به تکت انتخاباتی "عبدالله عبدالمود" ضمن اعلام فاتحه آن تکت انتخاباتی، خود را نیز مفتضح نمود.

۳- همان طوری که می دانید از سالها قبل بدین سو، یعنی دقیقاً بعد از کشته شدن "مزاری" خونخوار به دست برادران اعتقادی و مسلمانش پیروان امیرالمؤمنین "ملا عمر" که در قساوت و ریختن خون گوی سبقت از مقتول ر بوده بودند، دعوا و جنجال رهبری و جانشینی "مزاری" بین چند تن از افراد دور و بر "مزاری" با شدت دوام داشته است. از جمله تضاد و اختلاف بین "خلیلی" و "محقق" هیچ را حل نمیافته، با پارچه ساختن "حزب وحدت" هر یک راه خود را دنبال نمود.

۴- از همان تاریخ تا امروز این دو نفر در یک رقابت آشکار و پنهان، مصداق کاملی بوده اند از ضرب المثل، "خر که از خر پس ماند، بینی اش از بریدن است". به همین اساس آنها در تمام این مدت کوشیده اند تا جهت حفظ منافع شخصی، خانوادگی و گروپیک خودشان حتا به پستی و دنائتی که در ذهن نیز نگنجد تن داده، یکی به جهت به زیر کشیدن دیگری و خود را به حیث رهبر بلامنازع قوم هزاره معرفی داشتن از همدستی با شیطان نیز ابا نورزند. مگر

در تمام این مدت یک شاخصه مهم در مناسبات آنها این بود که هیچ گاهی در کنار یک دیگر حتا به سجده نیز نرفته اند تا چه رسد به این که از لحاظ سیاسی در یک صف قرار گیرند.

اینک وقتی "محقق" بعد از سرخوردگی از جانب تکت انتخاباتی "حنیف اتمر" به تیم "عبدالله عبدالمود" می پیوندد، یعنی به تیمی که از آن بریده و جایگاه معاونیت دوم را نیز به حریف همیشگی اش یعنی یک تن از طرفداران "خلیلی" سپرده است، خود به خود به معنای بریدن سر "محقق" در پای "خلیلی" می باشد.

۵- این که "عبدالله عبدالمود" با کدام وعده ها و دادن امیدواریها قادر شده "محقق" را به جانب خود بکشاند، وزارت و یا وکالت تا زمانی که پیروز نشده که نمی شود، همان "گنجشک نگرفته روپیه را ۵ تا" می باشد و اما مهمتر از آن آوردن وی در سلسله مراتب قدرت و همکاری با "حزب وحدت" جناح "خلیلی" می باشد.

احتمال همکاری و تعیین سلسله مراتب جدید قدرت بین باند های وابسته به "خلیلی" و "محقق"، اگر از جهتی ختم یک نقاض دیرینه را می رساند، اعلام آشکار تضاد و صف بندی جدید بین باندهای "خلیلی- محقق" در یک سو و باندی که "غنی احمدزی" به دور "سرور دانش" جمع نموده در سوی دیگر، دال بر آن است که درگیری های درونی قوم هزاره همچنان ادامه خواهد یافت.

هموطنان گرامی!

حاکمیت دست نشانده و مزدور بنا بر ماهیت ضد مردمی خود، می خواهد تمام اقوام ساکن کشور را یکی به جان دیگری بیندازد و هیچ گاهی حاضر نیست تا از ایجاد تفرقه و نفاق بین اقوام و حتا آحاد افراد افغانستان دست بردارد، زیرا این را می داند که ناقوس مرگ دولت دست نشانده و حاکمیت استعماری-ارتجاعی زمانی نواخته خواهد شد که مردم افغانستان متحدانه و به مانند یک مشت واحد بر فرق آن بکوبند.

سرکها ما را می طلبد!!